

متن پرسش

سلام استاد عزیزم: خیلی ممنون بابت راهنمایی قبلیتون و اینکه وقت میذارید تراوشات شاگرد دیوونه‌تون رو بخونید. قدردانشم و حتما دونه دونه پیگیری می‌کنم به مرور. به اصرار خانواده و خصوصا مادرم که از رفتارهای مذهبی بنده به شدت ناراضی و بسیار نگران‌ان و معتقدن ۱۰۰ درصد من مریض شدم و آخوندها توی انگلستان مغزم رو شستشو دادن، بلاخره رفتم پیش دکتر روانپزشک. همینکه روسریم رو دید شروع کرد به سوالات مذهبی، نماز شب میخونی یا نه و... من درمورد همه ی رفتارهای مذهبییم و اینکه حقیقتا چقدر به دین علاقه دارم و چقدر خودم رو درگیرش کردم صحبت نکردم اصلا. با پرسیدن فقط چندتا سوال کوچولو توی پروندهم نوشته hyperreligiosity !!! (لابد پیش خودش فکر کرده حزب اللهی امل انگلیسی بلد نیست!) یعنی اختلال روانی مذهبی گرایی افراطی!!! این درحالیه که من به هیچ عنوان درگیر وسواس برای احکام یا قبولی عباداتم یا نجس و پاکی و.... نیستم فقط مذهب رو بر تمام جنبه های زندگیم ترجیح میدم چون چیز دیگه ای برام نه تنها معنی نداره، بلکه وجود نداره. قرص هاش رو هم انداختم توی سطل، معلومه کسی که فکر میکنه میتونه اینجوری کسی رو خر کنه خودش خیلی خره. بذار هرچی میخواد بشه، بشه. بذار اسلام هرکاری میخواد باهام بکنه، بکنه. بلاخره این سکه اینقدر چرخ میخوره تا به یه طرفی بیفته!!! بذار بین کفر مطلق و ایمان مطلق بند بازی کنیم تا بلاخره یه جایی سقوط کنیم. راستی استاد بلافاصله بعد اربعین، قراره برم کربلا برای اولین بار. دقیقا میشه تولد ۲۰ سالگیم. خاک دو عالم بر سرم که ۲۰ ساله ازال آزرگار از عمر گرانمایم گذشت و هنوز درگیر حیوانیت و دغدغه های حقیرانه هستم. چه کنیم که خیلی دیر هدایت شدیم، وقتی تمام حرمت ها شکسته شده بود و پرده های عصمت پاره شده بودن، وقتی گوهر انسانیم زیر خروارها خاک دفن شده بود، وقتی که تمام آنچه بهم متعلق بود رو از دست داده بودم. استاد، خدا به روم نیورد، شما هم به روم نیارین که فقط وقتی اومدم سراغ خدا که هیچی برام نمونه بود، وقتی که به بن بست رسیده بودم، وقتی هیچ لذتی برام نمونه بود که خودم رو باهاش گول بزنم، وقتی که جایگزینی نداشتم. خدا اولویت آخرم بود. تو آمدی اما کمی دیر. از ته یک کوچه ی دراز. گفتم برو! اما نشستی و به در کوبیدی و گریه کردی، آنقدر که گونه های منم خیس شد. آمدی و با آمدنت همه چیز را در دایره ی هستی آتش زدی. حالا همه چیز سوخته بود و خاکستر شده بود و با آمدنت طوفانی شدید درگرفت، پس خاکسترشان را هم بردی و این لازمه ی لمس کردن تو بود، از دست دادن همه چیز. گفتم اینجا پر است، جا برای تو نیست! اما آمدی و دل من که پر بود از فیزیک و شیمی و فلسفه و عکاسی و خوشگذرانی و دوست و رفیق و پول و احترام و خودخواهی و شهوت و

حیوانیت و خواستن و خواستن و خواستن، خالی شد و فقط یک چیز ماند که همه چیز است و تو در دل هبوط کردی. استاد. تا اون زمان وقتم رو برای مطالعه روی چه مباحثی بذارم؟ همون معرفت نفس رو ادامه بدم، یا مطالعه درمورد عاشورا که هیچ چیزی ازش نمیدونم؟! چه اعمال مذهبی انجام بدم؟ (طبق معمول خودم سرخود چند مدل چله برداشتم. اصولاً مشکلی وجود نداره اما به شدت به زیارت عاشورا حساسم و الانم که برای اربعین چله‌شو برداشتم، یه جوری ام، جوری که خوب نیست) خیلی خجالت می‌کشم با وضعیت الانم وارد ۲۰ سالگی شم و با این وضعیت فعلی برم دیدار امام حسین (ع). یه راهی بگید که یکم، فقط یکم آدم شیم، یکم لایق شیم، یکم از شرمندگیمون کم شه. انگار خدا با تمام قدرت پشت در ضربه بزنه، اونقدر بلند که نتونی حتی نادیده‌ش بگیری و بخوابی، اونقدر محکم حتی تا مرز شکسته شدن در، اما وقتی در رو باز می‌کنی هیچ کس نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این سخن را نباید ساده بگیرید که می‌فرمایید: «خدا، اولویت آخر بود». حقیقتاً در هر حال باید چنین باشد به همان معنایی که خود حضرت محبوب می‌فرماید: «فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ» (جاثیه/۶) بنگر چگونه او با ما به گفتگو نشسته است که مگر چیزی زنده‌تر و تازه‌تر از حضرت «الله» و آیاتی که اشاره به او دارند؛ هست که دل به آن‌ها سپرد و ایمان خود را به میان آورد؟ و با توجه به این امر نباید از معارف عمیق توحیدی که انعکاس عقل و قلب است، در میدان عبادات غفلت کرد. و از این جهت آری! مباحث «ده نکته در معرفت نفس» و «برهان صدیقین» عبادات ما را عمیق‌تر می‌نماید و البته نباید به خود سخت‌گیری کرد که اطرافیان گمان کنند لازمهٔ دینداری خارج شدن از زندگی و گوشهٔ خلوت‌گزیدن است! هرچند هم نباید همرنگ اهل دنیا شد. و این یعنی در صراطی گام‌نهادن که هر دو طرف آن سقوط در آتش است، چه در طرف افراط و چه در طرف تفريط. نظر به حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» بخصوص با روح اربعینی یعنی نظر به آینده‌ای که انسان از سیطرهٔ یزیدیان عبور می‌کند و در این رابطه خوب است به مباحث «کربلا و عبور از دوگانگی بین زندگی و مقاومت»

<https://lobolmizan.ir/sound/۱۶۷۰> نظری بیندازید. موفق باشید